

## نقد و بررسی ترجمه فارسی رمان «قلب‌اللیل» با عنوان «دل شب» بر اساس الگوی گارسس

۱- علی صیادانی\*، ۲- سیامک اصغرپور\*\*، ۳- لیلا خیراللهی\*\*\*

- ۱- استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران
- ۲- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران
- ۳- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران  
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۰۵)

### چکیده

الگوها و مدل‌های متفاوتی که از سوی نظریه‌پردازان ترجمه ارائه شده‌است، به عنوان معیاری مناسب و با کارکرد دقیق‌تری برای سنجش ترجمه‌ها به کار می‌رود. میزان مقبولیت ترجمه یک اثر ادبی زمانی مشخص می‌شود که طبق این الگوها نقد و بررسی گردد تا جوانب مثبت و منفی ترجمه آشکار شود؛ چراکه جوانب و ویژگی‌های مثبت و منفی ترجمه، به میزان کیفی متن ترجمه‌شده دلالت دارد. در این جستار برآنیم تا بر اساس الگوی پیشنهادی گارسس، ترجمه سه بخش از رمان «قلب‌اللیل» نجیب محفوظ را با عنوان «دل‌شب» از کاظم آل‌یاسین، با در نظر گرفتن متن اصلی رمان بررسی نماییم. مدل گارسس شامل چهار سطح «معنایی - لغوی»، «نحوی - صرفی»، «گفتمانی - کارکردی»، «سبکی - منظورشناختی (عملی)» و نیز زیرمجموعه‌های خاص هر سطح می‌باشد. دستاورد این پژوهش مبین آن است که آل‌یاسین در دو سطح «معنایی - لغوی» و «نحوی - صرفی (واژه‌ساختی)» نسبت به دو سطح دیگر الگوی گارسس، موفق‌تر عمل کرده‌است؛ به عبارتی ترجمه وی از این لحاظ، کفایت لازم را دارد، به طوری که دو سطح «گفتمانی - کارکردی» و «سبکی - منظورشناختی» نیز تنها از مقبولیت و نه کفایت برخوردار است.

واژگان کلیدی: نقد ترجمه، الگوی گارسس، نجیب محفوظ، رمان دل شب.

---

\* E-mail: a.sayadani@azaruniv.edu (نویسنده مسئول)

\*\* E-mail: asgari@gmail.com

\*\*\* E-mail: kherolahi@gmail.com

## مقدمه

در ترجمه متون به ویژه رمان، اغلب شاهد مواردی از جمله افزایش، کاهش، حفظ مضمون و ساختار، حذف و تغییر موجود در ترجمه می‌باشیم که تمام این مسایل یا به دلیل ویژگی‌های مثبت ترجمه و حُسن آن است، یا حکایت از ضعف و معایب موجود در آن دارد. برای اظهار نظر درباره کاربرد و غیرکاربرد بودن این عنوان‌ها لازم است متن ترجمه از منظر مدل‌های ارائه شده در این زمینه بررسی شود. با توجه به اقبال بیشتر مترجمان اخیر به رمان، به ویژه دانشجویانی که در قالب پایان‌نامه به ترجمه رمان می‌پردازند، این ضرورت احساس می‌شود که با نقد این ترجمه‌ها، آن‌ها را در چهارچوب اصول و قواعد ترجمه قرار دهیم تا کار ترجمه بیش از پیش به صورت قانون‌مندتر و روشمندتر انجام شود. رمان *قلب‌اللیل* اثر نجیب محفوظ با عنوان «دل شب» به قلم کاظم آل‌یاسین به زبان فارسی ترجمه شده است. بررسی ترجمه این رمان همراه با متن اصلی آن طبق یک الگو می‌تواند به عنوان نمونه‌ای موردی، بیان‌کننده معایب و مزیت‌های ترجمه باشد و نیز چهارچوبی را برای نحوه ترجمه رمان‌ها به شکلی اصولی ارائه دهد. همچنین، در پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از مدل پیشنهادی گارسس به عنوان الگو و مدلی جامع که می‌تواند نتیجه دقیق‌تری ارائه دهد، به نقد ترجمه و بررسی کیفیت و مقبولیت آن، و نیز بررسی نحوه عملکرد مترجم و امانت‌داری وی پرداخته شده است. از آنجا که مترجم در ترجمه خود باید متکی به متن اصلی و متعهد به حفظ پیام، سبک متن و سبک نویسنده باشد. بنابراین، نگارندگان در این راستا رمان «دل شب» را به عنوان نمونه‌ای از مجموع رمان‌های ترجمه شده برگزیده‌اند تا به مطالعه موردی آن بپردازند و این به منظور اطمینان از درستی و مطابقت ترجمه با اصول و فنون مختلف ترجمه می‌باشد؛ چراکه این اقدام به بهبود کیفی ترجمه و به برطرف نمودن نقاط ضعف و تأکید بر نقاط قوت منجر شده است و در پایان، ترجمه‌ای بهتر و امین با رعایت پیام، محتوا و فضای حاکم بر متن اصلی داستان را ارائه می‌دهد که رعایت این موارد در هر ترجمه‌ای از ضرورت‌های آن می‌باشد.

### ۱. پرسش‌های پژوهش

الف) باتوجه به اینکه مدل گارسس بر زبان مقصد تأکید دارد، آیا آل یاسین نیز در ترجمه خود مقصدگرا بوده‌است؟

ب) طبق این الگو، عملکرد مترجم نسبت به سبک نویسنده، فضای متن، پیام و... چگونه بوده‌است؟

### ۲. فرضیه‌های پژوهش

گارسس مؤلفه‌هایی را که در ارتباط با زبان مقصد است، از ویژگی‌های مثبت به شمار می‌آورد؛ به عنوان نمونه، جایگزین کردن معادل فرهنگی آن دسته از کلماتی را که به دلیل اختلاف‌های اجتماعی و فرهنگی در زبان دیگر کاربرد نداشته‌اند، توصیه می‌کند و پایبندی به ترجمه تحت‌اللفظی را از ویژگی‌های منفی ترجمه می‌داند. آل یاسین نیز در ترجمه، به زبان مقصد نسبت به زبان مبدأ اهتمام بیشتری ورزیده، به طوری که به اختلافات اجتماعی و فرهنگی توجه داشته، از ترجمه تحت‌اللفظی تا حد توان پرهیز کرده‌است.

مترجم رمان *قلب‌اللیل*، صرف نظر از قبض و بسط نحوی، تلویح، حذف حواشی، تغییر ساخت درونی متن مبدأ و چند مورد دیگر از این قبیل که از زیرگروه‌های موجود در الگوی گارسس نیز می‌باشد، توجه خود را کمتر معطوف گفتمان متن، بیان، تغییر در نوع جمله، بسط ساده و بیشتر معطوف معادل‌یابی و معانی واژگان و تعابیر داشته که این عنوان‌ها در برخی شرایط به ارائه ترجمه‌ای ایده‌آل منجر شده، در مواردی نیز گاهی آن را از حد ایده‌آل بودن دور ساخته‌است.

### ۳. پیشینه پژوهش

آثاری که بررسی آن، نگارندگان را بر نگارش این جستار بیشتر رهنمون ساخت و در واقع، می‌توان به عنوان پیشینه تحقیق حاضر از آن یاد کرد، عبارت است از:

الف) مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گل»، اثر مارک تواین بر اساس الگوی گارسس» به قلم ناصر رشیدی و شهین فرزانه (۱۳۸۹).

ب) مقاله‌ای دیگر با نام «ارزیابی و مقایسه دو ترجمه فارسی از رمان انگلیسی دُن کیشوت اثر میگوئل دُ. سروانتس بر اساس الگوی گارسس» که به قلم ناصر رشیدی و شهین فرزانه (۱۳۹۲) نوشته شده است. در این دو مقاله، نگارندگان با تکیه بر مدل گارسس، اقدام به ارزیابی و مقایسه ترجمه رمان‌های نامبرده و ذکر نکات مثبت و منفی آن نموده‌اند که با تبیین و تعریف نظریه گارسس، حاصل کار به سنجش جوانب مختلف این ترجمه‌ها بر اساس الگوی مذکور انجامیده است و نیز ترجمه‌های مقبول و قوی از ترجمه‌هایی که به صورت نه چندان ایده‌آل ارائه شده، تفکیک داده شده است.

اما نکته شایسته ملاحظه اینکه نگارندگان فارغ از بحث درباره ماده پژوهش و به جای بررسی موردی نمونه‌های آماری (به ویژه در مقاله دوم) و ذکر مثال‌های عینی، تجزیه و تحلیل مثال‌ها مطابق با الگوی مد نظر، ارائه معلومات کاربردی از الگو، نحوه اجرا و تطبیق آن در ترجمه یک اثر، اغلب به ذکر نظریه‌های مختلف در این زمینه اکتفا کرده‌اند و پس از توضیحاتی در باب نظریه، به طور مستقیم به ارائه صرف داده‌هایی پرداخته‌اند که خواننده هیچ گونه ذهنیتی از چگونگی جمع‌آوری آن داده‌ها در ارتباط با الگو به دست نمی‌آورد.

ج) پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی، نقد و ارزیابی ترجمه متون ادبی» نوشته پروین فرهادی در سال ۱۳۹۲ است که نگارنده در آن به مطالعه موردی، یا به عبارتی، نقد و ارزیابی آثار ترجمه‌شده غسان کنفانی در سه بخش قصص، روایات و مسرحیات، از نه مترجم با تکیه بر الگوی گارسس پرداخته است و بر اساس دو معیار کفایت و مقبولیت و با توجه به میزان ویژگی‌های مثبت و منفی بیانگر کیفیت، به دسته‌بندی ترجمه‌هایی که از محدوده کفایت و مقبولیت، خارج و کیفیت پایینی دارند، اقدام کرده است.

با توجه به اینکه گارسس الگوی خود را در حوزه ترجمه به معنی عام آن ارائه داده است و نه مختص ترجمه در زبانی خاص، و از آنجا که در زبان عربی، آثار معدودی

پدید آمده که در آن به این مدل پیشنهادی پرداخته شود و یا به عنوان معیار ارزیابی ترجمه از آن استفاده شود، لذا نویسندگان در مقاله حاضر کوشیده‌اند که این الگو را در زبان عربی نیز به صورت کاربردی تر بررسی نمایند تا هم الگوی مذکور در این زبان واضح تر تبیین شود و هم به عنوان نمونه‌ای از مطالعه موردی، میزان موفقیت مترجم در ترجمه رمان *قلب‌اللیل* و نحوه کار وی و نیز کاستی‌های موجود در ترجمه، مشخص و راهکاری برای بهبود آن مطرح گردد.

#### ۴. معرفی اثر

در رمان *قلب‌اللیل*، نجیب محفوظ «تصویر زندگی و زوال طبقات اجتماعی قدیمی و تحولات اجتماعی مردم مصر را در نیمه نخست قرن بیستم منعکس می‌کند» (محفوظ، ۱۳۹۱: ۵).

#### ۵. مبانی نظری

تنها با ارزیابی و مهم تر از آن با نقد ترجمه می‌توان درباره ترجمه یک اثر نظر داد و در صورت نادیده گرفتن عمل ارزیابی و نقد ترجمه‌ها، شاهد ترجمه‌هایی خواهیم بود که از چهارچوب مشخص و قانون‌مندی پیروی نمی‌کند. «ارزیابی ترجمه به منظور اطمینان از درستی و مطابقت آن با اصول و فنون مختلف ترجمه، ضروری است. ارزشیابی ترجمه و مترجم زمینه‌ای مناسب فراهم می‌آورد تا رقابت مثبت در راستای بهبود کیفیت ترجمه بیشتر شود، در ترجمه‌ها روندی صعودی به وجود آید و در نهایت، ترجمه‌هایی با کیفیت عالی داشته باشیم» (رشیدی و فرزانه، ۱۳۸۹: ۵۹). برای مصون ماندن از آسیب‌ها، نیاز به قوانینی احساس می‌شود که معیار و ملاک‌هایی را برای ناقدان و ارزیاب‌ها ارائه دهد که این دو گروه به صورت مستدل و با مبانی قابل اعتماد که مورد تأیید صاحب‌نظران ترجمه نیز باشد، اقدام به نقد و ارزیابی نمایند.

«گارسس (۱۹۹۴م). مدلی ترکیبی در ارزیابی ترجمه ارائه نموده‌است که مرگب از مدل پیشنهادی وینه و داربنسه (۱۹۵۸م)، آراء و عقاید دیگر صاحب‌نظران در امر ترجمه، مانند نایدا، نیومارک، دلیسل، واز که ایورا، مونن،

نوبرت، ستویو یا توری است. در الگوی گارسس، ترجمه‌ها بر پایه ویژگی‌های مثبت و منفی بیانگر کیفیت (و زیرگروه‌های آن‌ها) و در نهایت، دو معیار کفایت و مقبولیت، بررسی و رده‌بندی می‌شوند» (همان، ۱۳۹۲: ۴۴).

در روند نقد و ارزیابی ما نیز این ویژگی‌ها مد نظر بوده‌است و سطح مقبولیت و کفایت ترجمه، بر اساس آن مشخص می‌شود.

«گارسس برای مقایسه شباهت‌های میان متن مبدأ و ترجمه (متن ترجمه‌شده)، چهار سطح پیشنهاد می‌کند که این سطوح به گفته او گاه با هم تداخل پیدا می‌کنند. این سطوح عبارتند از: سطح معنایی- لغوی، سطح نحوی- صرفی، سطح گفتمانی- کارکردی، سطح سبکی- منظورشناختی» (همان: ۴۶).

هر یک از این سطوح چهارگانه، زیرگروه‌ها و اجزای خاص خود را دارند:

<p>۱- تعریف یا توضیح برحسب اختلافات فرهنگی، فنی یا زمانی. ۲- معادل فرهنگی یا کارکردی. ۳- اقتباس (معنی نزدیک). ۴- بسط یا بسط نحوی. ۵- قبض نحوی. ۶- عام برابر خاص یا بالعکس. ۷- ابهام.</p>	<p><b>معنایی - لغوی</b></p>
<p>۱- ترجمه تحت‌اللفظی و یک‌به‌یک. ۲- ترجمه از طریق تغییر نحو. ۳- ترجمه از طریق تغییر دیدگاه. ۴- ترجمه از طریق جبران. ۵- ترجمه از طریق توضیح یا بسط معنی. ۶- ترجمه از طریق تلویح، تقلیل و حذف. ۷- ترجمه از طریق تغییر نوع جمله.</p>	<p><b>نحوی - واژه‌ساختی</b></p>
<p>۱- حذف منظور متن اصلی. ۲- حذف حواشی. ۳- تغییر به علت اختلافات اجتماعی- فرهنگی. ۴- تغییر لحن. ۵- تغییر ساختار درونی متن مبدأ. ۶- تعدیل (کاهش) اصطلاحات محاوره‌ای.</p>	<p><b>گفتمانی - کارکردی</b></p>
<p>۱- بسط خلاقه. ۲- اشتباه مترجم. ۳- حفظ اعلام (اسامی خاص). ۴- حفظ ساختار خاص متن مبدأ. ۵- بیان نامناسب در متن مقصد. ۶- پرگویی در برابر ساده‌گویی. ۷- تغییر در صناعات، به ویژه استعاره.</p>	<p><b>سبکی - عملی</b></p>

**جدول ۱:** سطوح چهارگانه به همراه زیرگروه‌ها (با اقتباس از: فرهادی، ۱۳۹۲: ۳۶-۳۵)

«در الگوی گارسس، ترجمه‌ها از نظر دو معیار کفایت و مقبولیت نیز باید ارزیابی شوند. این دو معیار، با استفاده از ویژگی‌های مثبت و منفی معرفی شده در مدل پیشنهادی، شرایط لازم را برای ارائه ترجمه‌ای مناسب و خوب هم از لحاظ انطباق مؤلفه‌های معنایی و عناصر دستوری دو زبان مبدأ و مقصد و میزان دقت مترجم در رساندن پیام مد نظر و هم از نظر قابل قبول بودن متن ترجمه‌شده در سیستم زبانی مقصد (زبان فارسی) و میزان پذیرش از سوی خوانندگان متن مقصد فراهم می‌سازد. در واقع، کفایت و مقبولیت بدین معناست که در اینجا نه تنها در جستجوی دقت و صحت عناصر زبانی هستیم، بلکه تأثیر سیستم زبان متن مبدأ بر زبان مقصد و میزان پذیرش خوانندگان متن مقصد نیز باید مد نظر قرار گیرد. از این رو، برای تعیین کیفیت ترجمه‌ها، جنبه‌ها یا ویژگی‌های جدیدی در نظر گرفته می‌شود: ۱- ویژگی‌های مثبت. ۲- ویژگی‌های منفی (ر.ک؛ همان: ۴۸).

همچنین، در یک تقسیم‌بندی کلی از چهار سطح، این ویژگی‌های مثبت و منفی مربوط به هر سطح را به تفکیک بیان می‌کند تا معیار سنجش کلی طبق این تقسیم‌بندی باشد:

ویژگی‌های مثبت	ویژگی‌های منفی
۱. معادل فرهنگی	۱. ابهام
۲. همانندسازی	۲. ترجمه قرضی (گرتنه برداری)
۳. بسط نحوی	۳. ساده کردن
۴. جبران	۴. ترجمه تحت‌اللفظی
۵. تغییر نحو یا صورت	۵. نارسایی در مفهوم معادل‌ها
۶. تغییر دیدگاه یا بیان	۶. تغییر لحن
۷. توضیح	۷. تغییر در ساختار درونی متن مبدأ
۸. حذف	۸. تصرف
۹. تغییر به علت تفاوت‌های اجتماعی - فرهنگی	۹. تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای
۱۰. تغییر در نوع جمله	۱۰. قبض نحوی یا کاهش
۱۱. حفظ اسم‌های خاص با معادل در متن مقصد	۱۱. حفظ ساختارهای متن مبدأ
۱۲. تعریف	۱۲. بسط خلاقه

۱۳. بسط ساده	۱۳. حفظ صنایع بلاغی
۱۴. اشتباه مترجم	
۱۵. حذف صنایع بلاغی	
۱۶. تغییر در صنایع بلاغی	

**جدول ۲:** ویژگی‌های مثبت و منفی بیانگر کیفیت در الگوی گارسس (اقتباس از: رشیدی و فرزانه، ۱۳۸۹: ۶۹)

اکنون به بررسی هر سطح و زیرمجموعه‌های آن می‌پردازیم.

## ۶. سطح معنایی - لغوی (سطح اول)

همان‌گونه که در جدول ۱ ذکر شد، هر کدام از سطوح مختلف مدل گارسس زیرمجموعه‌های خاص خود را دارد که در این بخش، زیرمجموعه هر سطح را با ذکر نمونه‌هایی از رمان بیان می‌کنیم.

### ۶-۱) تعریف یا توضیح لغات برحسب اختلافات فرهنگی، فنی یا زمانی

به این معنی که وقتی مترجم در ترجمه به واژه‌ای برمی‌خورد که خاص یک فرهنگ است، در انتقال آن به زبان مقصد، باید معنی آن را بیان کند و توضیحی ارائه دهد تا خواننده متن ترجمه شده در درک معنی دقیق با چالش مواجه نشود؛ به عنوان نمونه:

\* «ولکننی حفید الرأوی، وریشه الوحید وإتی فی مسیس الحاجة إلی ملیم علی حین... (محفوظ، بی تا: ۵): من نوه و تنها وارث راوی آم و به یک "میلیم" احتیاج دارم» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۹).

مترجم در توضیح واژه «میلیم» در پاورقی چنین آورده است: «میلیم یا میلیما از اجزاء لیره، واحد پول مصر» (همان: ۹).



## ۲-۶) معادل فرهنگی یا کارکردی

«هر جامعه‌ای به تناسب فرهنگ خود، عاداتی برای سخن گفتن و تولید معنا دارد. این عادات به مرور زمان وارد زبان آن جامعه شده‌است. بنابراین، شاید یک معنای واحد در دو زبان با دو فرهنگ متفاوت، دو تجلی متفاوت داشته باشد» (طهماسبی و صمدی، ۱۳۹۵: ۲۷۵)؛ یعنی از میان فرهنگ زبان مقصد، واژه‌ای به عنوان معادل برای واژه زبان مبدأ انتخاب شود که اغلب باعث سهولت فهم مطلب می‌شود؛ مانند:

\* «قد تصل إلی خمسة جنیهات (محفوظ، بی تا: ۶): ... پنج لیره» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۰).

چون «لیره» در فرهنگ و زبان فارسی نسبت به «جنیه» شناخته شده‌تر است، بنابراین، به عنوان معادل و جایگزین فرهنگی برای واژه «جنیهات» آمده‌است.

\* «لم تكن من جیل واحد (محفوظ، بی تا: ۳): هم سن نیستیم» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۷).

ترجمه تحت‌اللفظی این عبارت می‌شود: «از یک نسل نیستیم» که در زبان فارسی فاقد کارکرد یا مفهوم بوده، یا کارکرد کمی دارد که نزد خوانندگان متن ترجمه چندان معمول نیست. لذا مترجم برای رفع این مشکل، معادلی را به کار برده‌است که کارکردی مشابه دارد.

\* «تجیء القهوه بعد ذلك (محفوظ، بی تا: ۴): و بعد هم نوبت قهوه می‌رسد» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۸).

ترجمه تحت‌اللفظی این جمله (قهوه هم بعد از آن می‌آید)، ترکیبی است که مترجم از معادل کاربردی و روان استفاده کرده تا برای خوانندگان متن ترجمه قابل فهم باشد.

\* «لا أريد أن أضيع وقتك أكثر من ذلك (محفوظ، بی تا: ۴): نمی‌خواهم وقتت را بیش از این بگیرم» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۸).

مترجم برای ترجمه «أضيع وقتك» که به معنی «ضایع کردن وقت» می‌باشد، از ترکیب «وقتت را بگیرم»، یعنی معادل کارکردی آن در زبان فارسی استفاده کرده‌است.

\* «فما رأيك؟ (محفوظ، بی تا: ۴): نظرت چه هست؟» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۸).

واژه «نظر» در این جمله همان کارکرد فرهنگی واژه «رأى» را در زبان عربی دارد.

\* «نظام الوقف لا يسمع بذلك (محفوظ، بی تا: ۴): قانون اوقاف اجازه نمی‌دهد» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۸).

مترجم معادل کارکردی و فرهنگی موجود در زبان مقصد را برای ترجمه واژه «نظام» بیان کرده‌است؛ یعنی «قانون».

\* «كان القانون ضمن ثقافتی (محفوظ، بی تا: ۵): همیشه به قانون احترام می‌گذاشتم» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۸).

ترجمه تحت‌اللفظی این عبارت، «قانون، جزو فرهنگ من بوده‌است» در زبان فارسی کمتر استفاده می‌شود. بنابراین، مترجم عبارت «احترام گذاشتن را» به عنوان معادل به کار برده‌است.

\* «ولتعليم ذلك وزارة الأوقاف (محفوظ، بی تا: ۵): اداره اوقاف باید بدانند» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۹).

مترجم در مقابل «وزارة» از «اداره» استفاده کرده‌است.

\* «تراجع إلى الهدوء وقال: دعني (محفوظ، بی تا: ۵): آرام شد و گفت: اجازه بده» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۹).

گاهی فرهنگ زبانی مانع ترجمه تحت‌اللفظی می‌شود. در این جمله، مترجم به جای ترجمه تحت‌اللفظی، یعنی «به آرامش برگشت و گفت: رهایم کن»، معادل «آرام شد» را به کار برده‌است.

\* «لا يمكن أن ينول إلى شخص بحال من الأحوال (محفوظ، بی تا: ۵): اموال وقفی را به هیچ وجه نمی‌شه به مردم برگرداند» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۹).

معادل کارکردی و زبانی «بحال من الأحوال» در زبان فارسی، عبارت «به هیچ وجه» می‌باشد.

مترجم در سه مورد بعدی نیز که زیرشان خط کشیده شده، اصل کارکرد و معادل فرهنگی را رعایت کرده‌است:

\* «تقدم طلباً به التماس صرف إعانة شهرية (محفوظ، بی تا: ۶): ... یک صدقه‌سری به تو میدن» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۰).

\* «صاحب الوقف یلتمس إحساناً (محفوظ، بی تا: ۶): واقف درخواست صدقه کنه» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۰).

\* «ما أكثر المتسولين عندنا من حفدة الباشرات (محفوظ، بی تا: ۷): بیشتر گداهان... از نوادگان خوانین... هستند» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۰).

### ۳-۶) اقتباس (معنی نزدیک)

شاید بتوان گفت که ترجمه خوب ادبی آن است که هم اقتباس باشد و هم ترجمه (ر.ک؛ خاوری، ۱۳۸۳: ۸۶)؛ این یعنی جنبه‌های ادبی و بلاغی داشته باشد.

\* «لأن النقود كائنات مجهولة في عالمي (محفوظ، بی تا: ۵): آه در بساط ندارم» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۹).

معنی عبارت چنین می‌شود که «پولی در دنیای من وجود ندارد». چنین جمله‌ای در زبان فارسی کارکردی ندارد و نامفهوم است. لذا مترجم از معادل کارکردی آن استفاده کرده‌است؛ یعنی «آه در بساط ندارم».

\* «أحد بصره الغائم (محفوظ، بی تا: ۳): با چشمان تارش به من زل زد» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۷).

مترجم در این عبارت به جای فعل «تیز کرد، دقت کرد»، فعل «زل زدن» را به عنوان معادل به کار برده که در زبان فارسی معمول است و کاربرد بیشتری دارد.

\* «قدمت نفسی (محفوظ، بی تا: ۳): خودم را معرفی کردم» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۷).

در زبان فارسی گفته نمی‌شود که «خودم را تقدیم کردم»، بلکه اصطلاح «معرفی کردن» که یک مضمون آشنایی برای خواننده است، به کار می‌رود.

\* «وَمِنْ حَقِّي أَنْ أُسْتَبَشَرَ خَيْرًا (محفوظ، بی تا: ۴): حق دارم خوش بین باشم» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۸).

\* «أذْكَرُكَ بِحَقِيقَةِ لَا جِدَالَ فِيهَا (محفوظ، بی تا: ۶): حقیقتی را به تو گفتم که مولا درزش نیست» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۹).

در ترجمه از عبارت و معادلی استفاده شده است که در زبان فارسی، جاافتاده‌تر و قابل فهم‌تر و برای اهل زبان ملموس‌تر از معنی سطحی و اولیه‌ی واژه‌ها می‌باشد.

#### ۶-۴) بسط یا بسط نحوی

این است که مترجم از مؤلفه‌هایی به عنوان برابرواژه و اصطلاحات زبان مبدأ استفاده می‌کند که مواردی از قبیل ضمائر و اشاره‌های مجازی و کنایی که با توجه به سیاق متن در تقدیر گرفته می‌شود، در ترجمه تصریح و بیان می‌گردد.

«تصریح به معنای آشکارسازی است و یکی از هماهنگی‌های ترجمه می‌باشد.

تصریح وقتی صورت می‌گیرد که اطلاعات متن مبدأ باصراحت و وضوح بیشتر به

ترجمه انتقال می‌یابد» (سیاحی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۳؛ به نقل از: خزاعی‌فر، ۱۳۹۱:

۴۹).

\* «ولكن أيام (-) خان جعفر لا يمكن أن تنسى (محفوظ، بی تا: ۳): ولی روزهای محله

خان جعفر فراموش شدنی نیست» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۷).

\* «ولكن ثمة (-) أشياء لا تنسى (محفوظ، بی تا: ۳): ولی بعضی چیزها فراموش شدنی

نیستند» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۷).

\* «اعتدل فی (-) جلسته (محفوظ، بی تا: ۴): سر جای خود صاف نشست» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۸).

\* «إلا (-) الوقف فإنه حتى اليوم لم يتغير (محفوظ، بی تا: ۵): جز قانون اوقاف که تا حالا عوض نشده است» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۸).

\* «قاطعنی (-) بحدّة (محفوظ، بی تا: ۵): به تندی حرف مرا قطع کرد» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۹).

\* «ولكنني حفيد الرأوي و إثبات ذلك (-) يسيرٌ عليّ (محفوظ، بی تا: ۶): ولی من نوه او هستم و ثابت کردندش هم کار آسانی است» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۹).

\* «ولماذا نسيك؟ (محفوظ، بی تا: ۷): جعفر، چرا تو را فراموش کرد؟» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۰).

\* «يقيني أنه لا يجحد أحد ذريته (-) بلا سبب! (محفوظ، بی تا: ۷): به اعتقاد من، هیچ کس بدون سبب یکی از فرزندان خود را از ارث محروم نمی کند!» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۰).

در ترجمه عبارت‌های فوق، مترجم پس از ذکر معادل هر کلمه، از کلمات دیگری استفاده کرده، در حالی که معادل‌های این کلمات در متن اصلی نیامده است و مترجم به قصد توضیح و بسط مفهوم و معنی، این واژه‌ها را به ترجمه افزوده تا مفهوم کلمات دیگر را تصریح و تبیین کند. در باب افعال ربطی نیز مترجم بنا به ضرورت، این کلمات را به ترجمه عبارت افزوده است.

## ۵-۶) قبض نحوی (کاهش)

مترجم در برابریابی، به بخشی از واژگان متن مبدأ و آوردن مشابه آن در ترجمه، اهتمام نورزیده است و به بیان حداقلی بسنده می کند.

\* «لی أكثر من صديق بين المحامين الشرعيين (محفوظ، بی تا: ۵): بین وکیل‌ها دوستانی دارم» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۹).

مترجم در ترجمه این عبارت در برابر سه واژه «أكثر من صديق» که به معنی «بیش از یک دوست» می‌باشد، تنها واژه «دوستانی» را به کار برده است.

\* «لا تضيّع وقتك جرياً وراء أصل لا يمكن أن يتحقق (محفوظ، بی تا: ۶): وقت خود را برای آرزوی محال هدر نده» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۹).

تعدیل در ذات ترجمه است و نیز حتی در متونی که زبان مبدأ و مقصد اشتراک بسیاری دارند، باز هم تعدیل‌های جزئی و کوچک صورت می‌گیرد (ر.ک؛ ناظمیان و قربانی، ۱۳۹۲: ۹۳). یکی از موارد تعدیل، تبدیل ساختار فعلی به اسمی می‌باشد، همان طور که در مثال ذکر شد: «لا يمكن أن يتحقق: محال».

#### ۶-۶) عام برابر خاص یا بالعکس

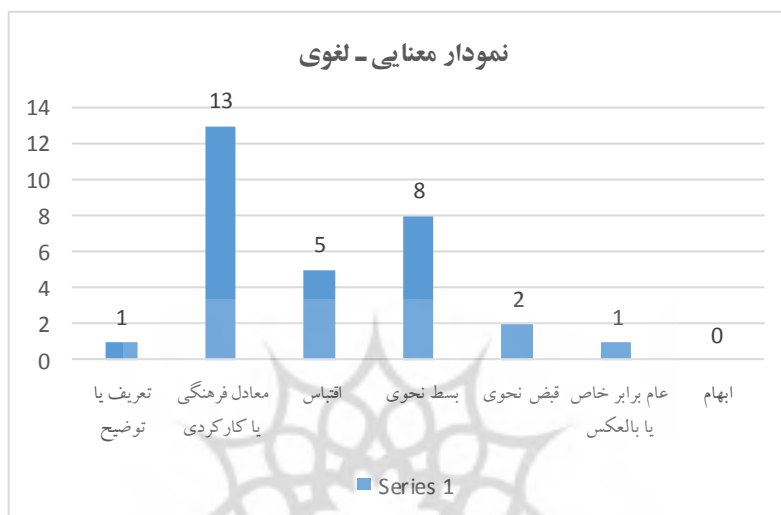
ترجمه لغت خاص (ذات) به عام (معنی) است، یا بالعکس (ر.ک؛ فرهادی، ۱۳۹۲: ۱۲۴).

\* «صاحب الوقف يلمس إحساناً (محفوظ، بی تا: ۶): درست است که واقف درخواست صدقه کنه؟» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۰).

واژه «إحساناً» شامل هر گونه احسان و هدایایی است، در حالی که مترجم در ترجمه این واژه، «صدقه» را به کار برده است که اخص از «احسان» می‌باشد.

#### ۶-۷) ابهام

این عنوان فاقد نمونه است.



#### ۷. سطح نحوی- صرفی (واژه‌ساختی)

زیرمجموعه‌های این سطح شامل موارد زیر است:

##### ۱-۷) ترجمه تحت‌اللفظی و یک‌به‌یک

در ترجمه تحت‌اللفظی، عناصر سازنده جمله در زبان مبدأ با معادل‌های معنایی خود در زبان مقصد جایگزین می‌شود. در این حالت، ساختار نحوی جمله در زبان مبدأ، در قالب جمله زبان مقصد نمود پیدا می‌کند (ر.ک؛ حقانی، ۱۳۸۶: ۱۵۲).

\* «مع ذلك فإنک تتمنی أن تسترد ترکه جدک (محفوظ، بی تا: ۱۰): با تمام این‌ها، آرزو داری ماترک پدر بزرگت را برگردانی» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۳).

مترجم عبارت «تتمنی» را به همان معنی اولیه «آرزو داری» ترجمه کرده‌است، در حالی که می‌توانست از معنی کاربردی تر آن، یعنی «می‌خواهی» استفاده کند که در گفتار عامیانه هم رایج است و هم متناسب با سیاق و فضای متن اصلی می‌باشد.

## ۲-۷) ترجمه از طریق تغییر نحو یا دستور گردانی

«در فرایند ترجمه، سطح نحوی به تحلیل جملات و سازه‌های آن در زبان مبدأ و تولید جملات درست در زبان مقصد مربوط می‌شود. بنابراین، علاوه بر برگردان عناصر معنایی و واژگان، ترجمه ساختار نحوی واحد ترجمه، از زبان مبدأ به مقصد نیز باید انجام شود. در واقع، برگردان قالب و ساختار جمله از زبان مبدأ به زبان مقصد، شرط اساسی ترجمه است و این امر جز با تجزیه و تحلیل گرامری واحد ترجمه میسر نمی‌شود» (طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۶۶).

- \* «كان في وحدته على استعداد حاد للإلتصاق بمن يشجعه ولو بابتسامه (محفوظ، بی تا: ۸): تنها بود و آمادگی آن را داشت تا با هر کسی که به او لبخند بزند، ملحق شود» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱) [تغییر مصدر به فعل در ترجمه].
- \* «فقهه قائلا (محفوظ، بی تا: ۱۰): با صدای بلند خندید و گفت» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۳) [تبدیل اسم (حال مفرد) به فعل در ترجمه].
- \* «سألته بعد أن تناولنا عشاءنا من الكوارع (محفوظ، بی تا: ۸): بعد از خوردن پاچه پرسیدم» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱) [تبدیل فعل به مصدر].
- \* «هي ما تبتت من بيت جدی القديم (محفوظ، بی تا: ۹): خرابه باقی مانده خانه قدیمی پدر بزرگم» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱) [تبدیل فعل به مصدر].
- \* «كما أحب لعن الواقفين (محفوظ، بی تا: ۹): همین طور نفرین کردن به آن‌هایی که وقف می‌کنند» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۲) [تبدیل اسم فاعل به فعل].
- \* «وهناك أيضا میلی إليه رغم فظاعة منظره وراثتی له فی خاتمه التعیسة (محفوظ، بی تا: ۸): همچنین، با وجود نفرت‌انگیز بودن ظاهرش و دلسوزیم به سبب بدبختی آخر عمرش، میلی مرا به طرف او کشاند» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱) [جابجایی ترتیب صفت و مضاف‌الیه در ترجمه].



\* «اسمع رد إلى الموقف وأعدك أن تراني محاطاً بالأبناء والأحفاد (محفوظ، بی تا: ۹): بشنو! موقوفه را به من برگردان. آن موقع می‌بینی که بچه‌ها و نوه‌هایم دور و برم را می‌گیرند» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۲) [تغییر مصدر به فعل].

\* «جعلت أئامله به أسما وهو يتحدى الوجود ببدلته المتهتكة وجلده المدبوغ (محفوظ، بی تا: ۱۰): در حالی که لبخند می‌زد، فکر کردم که او با وجود لباس پاره‌پوره و پوست سوخته‌اش همه چیز را به مبارزه می‌طلبد» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۳) [جابجایی ترکیب صفت و مضاف‌الیه در ترجمه].

\* «أننى أخوض معركة مع جدى منذ قديم (محفوظ، بی تا: ۱۰): من با پدر بزرگ در یک دعوی قدیمی غوطه‌ورم» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۳) [تبدیل جار و مجرور به صفت در ترجمه].

\* «وجلسنا ندخن البورى ونشرب القهوه (محفوظ، بی تا: ۱۲): نشستیم و شروع به کشیدن قلیان و نوشیدن قهوه کردیم» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۵) [تبدیل فعل به مصدر].

### ۳-۷) ترجمه از طریق تغییر دیدگاه یا دگربینی

به روشی اطلاق می‌شود که در آن، مفهومی در زبان مبدأ به بیانی دیگر در زبان مقصد بیان می‌شود. مواردی از تغییر دیدگاه عبارتند از: بیان وسیله به جای نتیجه، بیان معلول به جای علت و برعکس، بیان از طریق یک حس به جای حس دیگر، بیان با ترتیبی دیگر، بیان معلوم به جای مجهول، بیان عبارت منفی به عبارت مثبت و برعکس، تبدیل جزء به کل و برعکس، حال به محل، ظرف به مظروف، خصوص به عموم و برعکس، مسبب به سبب، لازم به ملزوم و... (ر.ک؛ فرهادی، ۱۳۹۲: ۱۶۶).

\* «أليس لك أهل (محفوظ، بی تا: ۹): زن و بچه هم داری؟» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۲) [تغییر عبارت منفی به مثبت].

\* «ثم غير نغمته فجأة (محفوظ، بی تا: ۱۱): یک دفعه حرفش را تغییر داد» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۲) [بیان ملزوم به جای لازم؛ زیرا لازمه حرف زدن، نغمه، لحن و صدا می‌باشد].

#### ۴-۷) ترجمه از طریق جبران

این مورد فاقد نمونه است.

#### ۵-۷) ترجمه از طریق توضیح و بسط معنی

توضیح یا بسط معنی قسمتی از متن که باید در متن مقصد تصریح شود (ر.ک؛ همان: ۱۶۹).

\* «جداً» (محفوظ، بی تا: ۱۲): بله، واقعاً» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۵) [آوردن واژه «بله» برای تأکید و توضیح معنی است].

#### ۶-۷) ترجمه از طریق تلویح، تقلیل و حذف

در این روش، عناصری که در متن اصلی تصریح شده‌اند، در ترجمه به تلویح بیان می‌شوند یا تقلیل می‌یابند یا به طور کلی حذف می‌شوند (ر.ک؛ همان).

\* «فشخصيته المضطربة لا توحى بالاستقرار والديموم» (محفوظ، بی تا: ۸): پریشانی‌اش عدم ثبات او را نشان می‌دهد» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱) [حذف کلمه «شخصیت» در ترجمه].

\* «أبيت في الخرابه» (محفوظ، بی تا: ۸): تو خرابه» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱) [حذف معنی فعل در ترجمه].

\* «أ تود أن تسمع المزيد منه» (محفوظ، بی تا: ۱۲): دوست داری بیشتر بشنوی؟» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۵) [ترجمه از طریق حذف].

\* «وكنت قد انقطعت عن الحي العتيق» (محفوظ، بی تا: ۹): مدت زیادی بود به آن محله نرفته بودم» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۲) [بیان عبارت اول به صورت تلویح و بیان واژه دوم به صورت حذف].

\* «أ تعنى ما تقول» (محفوظ، بی تا: ۹): منظورت چیه؟» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۲) [به صورت تقلیل و با بیان دیگری ترجمه شده است].

\* «یا لها من طريقة في الحديث (محفوظ، بی تا: ۹): این چطور حرف زدنیه؟!»  
(آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۲) [به صورت تقلیل بیان شده است].

\* «لقد تقدم بي العمر... (محفوظ، بی تا: ۱۰): حالا که پیر شدم!» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۳)  
[به صورت تلویح بیان شده است].

\* «هل وقع اختيارك علي محام ثقة لنذهب إليه (محفوظ، بی تا: ۱۱): آیا وکیل قابل اعتمادی پیدا کردی؟» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۳) [عبارت مشخص شده به صورت تلویح بیان شده است و عبارت «لنذهب إليه» در ترجمه حذف شده است].

\* «ولكن لا توجد قضية علي الإطلاق (محفوظ، بی تا: ۱۱): ولی قضیه‌ای وجود نداره»  
(آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۳) [عبارت «علی الإطلاق» در ترجمه حذف شده است].

\* «لا تبدد الوقت (محفوظ، بی تا: ۱۱): علّاف نشو» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۴) [به صورت تقلیل بیان شده است].

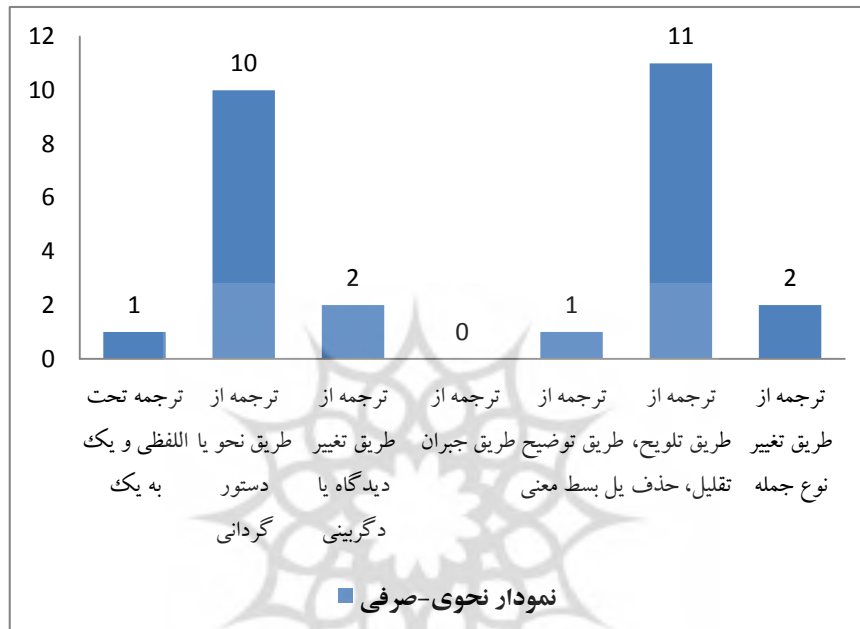
\* «تمدون أیدیکم إینا بالإحسان (محفوظ، بی تا: ۱۱): می خواهید به ما صدقه بدهید»  
(آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۴) [به صورت تلویح بیان شده است].

۷-۷) ترجمه از طریق تغییر نوع جمله

مترجم نوع جملات را تغییر داده است:

\* «أليس لك مورد رزق في شيخوختك؟ (محفوظ، بی تا: ۹): در حال حاضر در آمدی داری؟» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۲) [تغییر جمله منفی سؤالی به مثبت سؤالی در ترجمه].

\* «أليس لك أهل؟ (محفوظ، بی تا: ۹): زن و بچه هم داری؟» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۲)  
[مانند مثال قبلی].



### ۸. سطح گفتمانی- کارکردی

این سطح شامل زیرمجموعه‌های ذیل است:

#### ۱-۸) حذف منظور (تعهدات) متن اصلی

این بخش فاقد نمونه است.

#### ۲-۸) حذف حواشی

این بخش فاقد نمونه است.

### ۳-۸) تغییر به علت اختلافات اجتماعی- فرهنگی

واژه‌ها، اصطلاحات و گاهی جملات کاربردی خاص یک زبان در زبان دیگر کاربردی ندارد و معنی آن‌ها نیز پیام‌رسان نیست، یا به شکلی دیگر و در هم‌آیی با اصطلاحات خاص، مبین معنی می‌شود. لذا باید از معادل کاربردی آن‌ها استفاده کرد.

\* «خرابة من الخرابات (محفوظ، بی تا: ۱۴۴): قراضه‌ای میان قراضه‌ها» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

\* «بعضهم علی المعاش (محفوظ، بی تا: ۱۴۵): بعضی بازنشسته...» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

\* «لاذ بالصمت ملیتا ثم تتمم بهدوء (محفوظ، بی تا: ۱۴۶): مدتی را به سکوت گذرانند. سپس مین‌ومین کرد» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

\* «ثم أزيلت أنقاضه (محفوظ، بی تا: ۱۴۷): و نخاله آن را بیرون بردند» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

\* «وَأَمِنَتْ بقوله (محفوظ، بی تا: ۱۴۷): حرف او را باور کردم» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱۵).

\* «سرعان ما تنفذ النقود المتبقية لديك (محفوظ، بی تا: ۱۴۸): پس اندازت را زود خرج می‌کنی» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱۵).

\* «نظر إلى الصعاليك به حذر وارتباب (محفوظ، بی تا: ۱۴۶): ولگردها با احتیاط و شک به من نگاه می‌کردند» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

### ۴-۸) تغییر لحن

\* «وقلت لو أعتز علی محمد شكرون فقد أجد فيه الخيط الذي يوصلني إلى قلب الأشياء (محفوظ، بی تا: ۱۴۴): گفتم اگر محمد شكرون را پیدا می‌کردم، سرنخ تمام حوادث را به دست می‌آوردم» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱۲) [مترجم جمله‌ای که متضمن شك

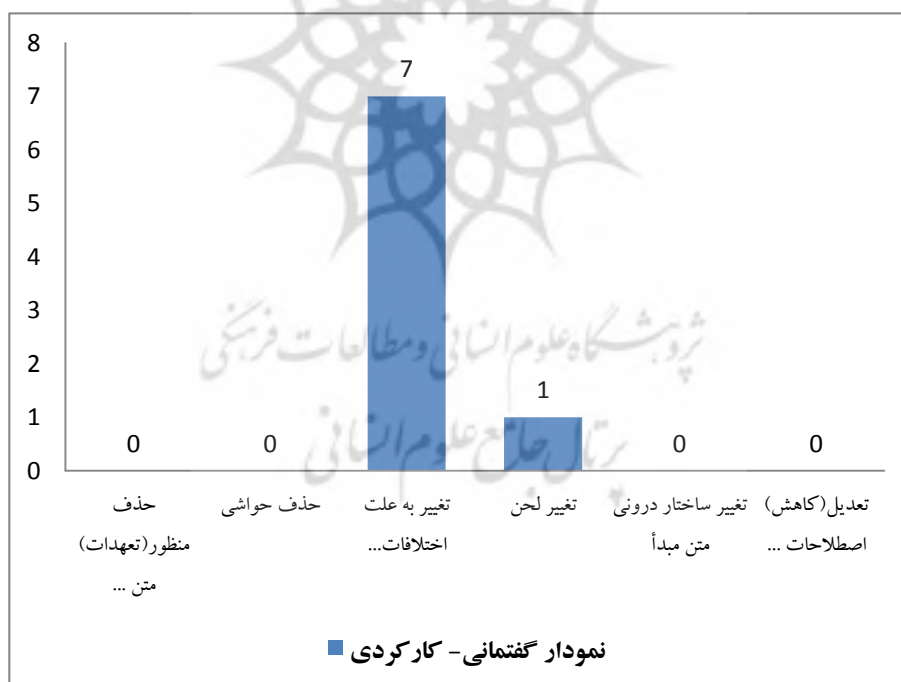
و تردید است، «فقد أجد: شاید پیدا می‌کردم» را به صورت جمله‌ای با لحن خبری و قطعی ترجمه کرده‌است.

### ۵-۸) ساختار درونی متن مبدأ

این بخش فاقد نمونه است.

### ۶-۸) تعدیل (کاهش) اصطلاحات محاوره‌ای

این بخش فاقد نمونه است.



### ۹. سطح سبکی - عملی

زیرمجموعه‌های سطح سبکی - عملی به ترتیب زیر است:

### ۱-۹) بسط خلاقه

«کنار گذاشتن کلیشه‌های غلط در ترجمه، بسنده نکردن به اندوخته‌های ذهنی در معانی واژه‌ها، توجه به ویژگی‌های زبان مقصد، ترجمه خلاق را پدید می‌آورد» (طهماسبی و صمدی، ۱۳۹۵: ۲۷۴).

\* «ولما فرغت من هذه الأمور العاجلة فکرت فی إمكان استئناف الجهاد فی سبیل مذهبی و تکوین الحزب (محفوظ، بی تا: ۱۴۵): بعد از فارغ شدن از این کار، فوراً درباره امکان شروع مجدد و تبلیغ برای مکتب جدیدم و تشکیل حزب فکر کردم» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱۳) [معادل واژه‌های مشخص شده در متن اصلی نیست و افزوده‌هایی از جانب مترجم و بر اساس ذوق وی می‌باشد].

### ۲-۹) اشتباه مترجم

\* «فقلت أسجل نظرتی فی کتاب فإن أعجزنی ذلک (محفوظ، بی تا: ۱۴۵): گفتم نظریه‌ام را به صورت کتابی درمی‌آورم، ولی خسته‌ام کرد» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱۳) [ترجمه صحیح: ... هر چند که مرا خسته کند].

\* «فصربت الأرض بقدمی (محفوظ، بی تا: ۱۴۶): زمین را با پاهایم کوبیدم» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

ترجمه صحیح جمله «ضرب الأرض یا ضرب فی الأرض» حرکت کردن و به راه افتادن است. یحیی معروف نیز این فعل را جزو افعالی می‌داند که اشتراکات لفظی دارند (ر.ک؛ معروف، ۱۳۹۴: ۱۸۷). همچنین، در قرآن کریم نیز آمده است: ﴿يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ﴾ (المزمل/ ۲۰).

### ۳-۹) حفظ اعلام

\* «ذهبت إلى قصر الحلیمة (محفوظ، بی تا: ۱۴۴): به خانه‌ای واقع در حلیمه رفتم» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

\* «أرفض أن أتسول منها مليما» (محفوظ، بی تا: ۱۴۷): حاضر نیستم حتی یک مليما از آن گدایی کنم» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱۵).

\* «ولكن أين أبناء مروانة وأين أبناء هدى» (محفوظ، بی تا: ۱۴۵): ولی بچه‌های مروانه کجایند؟ بچه‌های هدی کجا هستند؟» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

\* «وذهبت إلى عرش الترجمان» (محفوظ، بی تا: ۱۴۵): همچنین، به عرش ترجمان رفتم» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

\* «من مرجوش إلى الخرنفش، إلى النحاسين، إلى خان جعفر» (محفوظ، بی تا: ۱۴۸): از مرجوش تا خرنفش و از نحاسین تا خان جعفر» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱۶).

\* «وفى ميدان باب الخلق يخفق قلبى» (محفوظ، بی تا: ۱۴۸): دلم در میدان خلق می تپد» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱۶).

\* «وهمس جعفر» (محفوظ، بی تا: ۱۴۹): جعفر آهسته گفت» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱۶).

#### ۹-۴) حفظ ساختار خاص متن مبدأ

این بخش فاقد نمونه است.

#### ۹-۵) بیان نامناسب در متن مقصد (نارسایی در معادل)

\* «وأدرکت فى الحال أننى لن أظفر براحة فى الراحة القهرية القصيرة التى تسبق الراحة الأبدية» (محفوظ، بی تا: ۱۴۷): در آن موقع، درک کردم که از استراحت کوتاه اجباری قبل از استراحت ابدی خبری نیست» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱۴) [مترجم به گونه‌ای این متن را ترجمه کرده که ساختار متن مبدأ و رسایی آن تغییر یافته است].



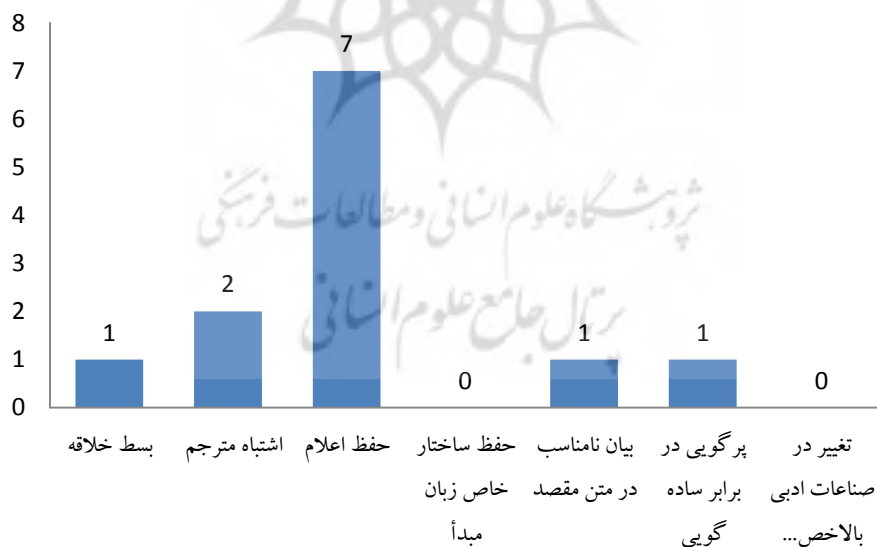
## ۶-۹) پرگویی در برابر ساده‌گویی

یعنی مترجم جملات ساده را به اشکال پیچیده و همراه با توضیحات بیشتر و غیرضروری می‌آورد.

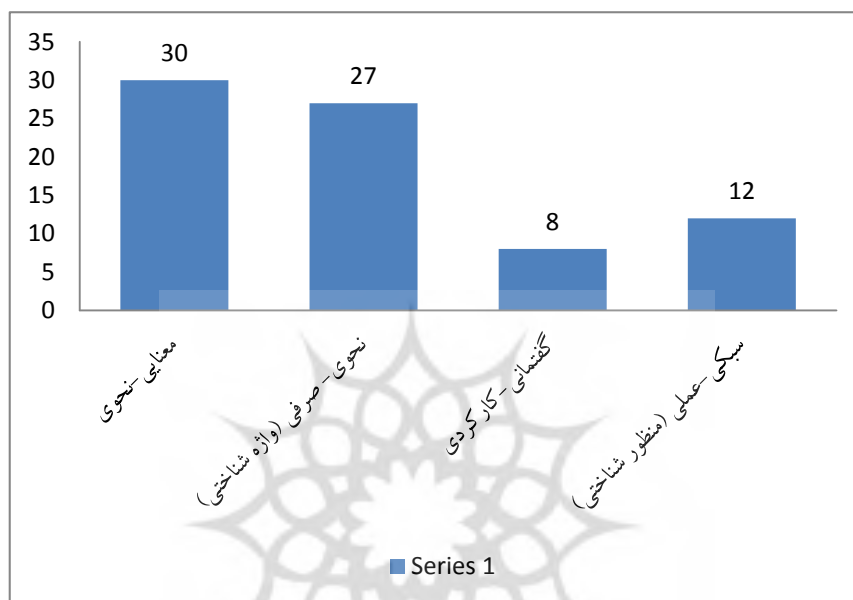
\* «وقرت أنه لا خير يرجى من الاهتداء إليهم وأننى يجب أن أتركهم دون إزعاج (محفوظ، بی تا: ۱۴۵): گفتم از پیدا کردن و رفتن پیش آنها خیری نیست و چیزی گیرم نمی‌آید. پس باید بدون ناراحتی آنها را به حال خودشان ول کنم» (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

## ۷-۹) تغییر در صناعات ادبی بالأخص استعاره

این بخش فاقد نمونه است.



■ نمودار سبکی-عملی



«در بعضی از ترجمه‌ها، اضافاتی هست که در ترجمه‌های دیگر نیست و یا مترجم قسمت‌هایی از متن را حذف کرده‌است، در حالی که همین بخش‌ها را مترجمان دیگر آورده‌اند» (عبدالغنی حسن، ۱۳۷۶: ۷۲).

نمونه	مآخذ (حفظ)	نمونه	افزایش
۱۳	۱. معادل فرهنگی	۱	۱. تعریف
۵	۲. اقتباس	۸	۲. بسط نحوی (افزایش)
۰	۳. ابهام	۱۰	۳. دستورگردانی
۰	۴. ترجمه قرضی	۲	۴. تغییر دیدگاه (دگرینی)
۱	۵. ترجمه تحت‌اللفظی	۱	۵. توضیح
۰	۶. جبران	۷	۶. تغییرات ناشی از اختلافات فرهنگی، اجتماعی
۲	۷. تغییر نوع جمله	۰	۷. تغییر ساختار درونی متن مبدأ
۱	۸. نارسایی در معادل (بیان نامناسب)	۰	۸. بسط خلاقانه
۱	۹. تغییر لحن	۱	۹. تفصیل (پرگویی)
۷	۱۰. حفظ اسامی خاص	۱	
۰	۱۱. حفظ ساختار (خاص زبان مبدأ)	۱	
۳۰	جمع کل	۳۱	جمع کل

نمره	کاهش
۲	۱. کاهش (قبض)
۱۱	۲. حذف و تقلیل
۰	۳. حذف بن مایه متعهدانه
۰	۴. تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای
۰	۵. حذف قسمتی از متن یا پاراگراف
۲	۶. اشتباه مترجم
۰	۷. ساده‌انگاری
۱۵	جمع کل

**جدول ۳:** (اقتباس از: فرهادی، ۱۳۹۲: ۲۸۹)

بر اساس الگوی گارسس، تکنیک‌های موجود در سطوح چهارگانه را می‌توان به سه گروه عمده تقسیم کرد که عبارت است از:

تعریف، بسط، دستورگردانی، دگربینی، توضیح، تغییرات ناشی از اختلافات اجتماعی - فرهنگی، تغییر در ساخت درونی متن مبدأ، بسط خلاقانه، تفصیل.	<b>افزایش</b>
معادل فرهنگی، اقتباس، ابهام، ترجمه قرضی، ترجمه تحت‌اللفظی، جبران، تغییر نوع جمله، نارسایی در معادل، تغییر لحن، حفظ اسامی خاص، حفظ ساختارهای خاص متن مبدأ.	<b>مانش (حفظ)</b>
کاهش، حذف، حذف بنمایه متعهدانه، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای، حذف قسمتی از متن یا پاراگراف، اشتباه مترجم، ساده‌انگاری.	<b>کاهش</b>

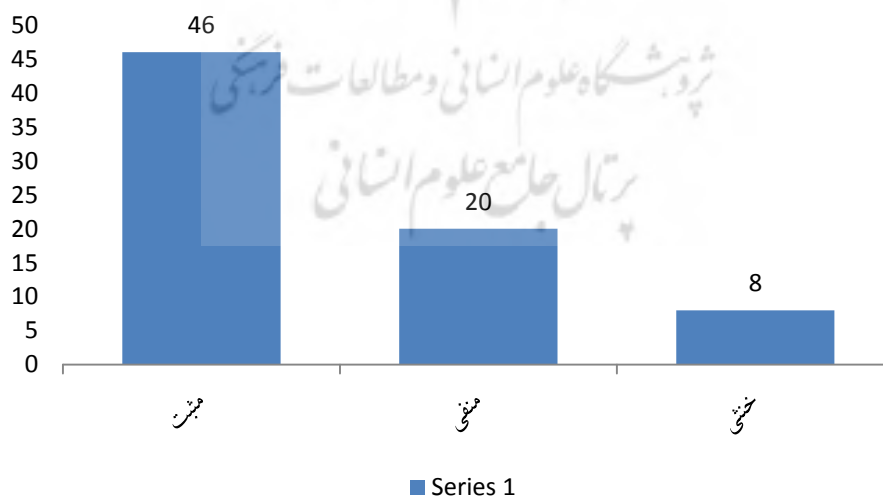
**جدول ۴:** مقادیر به‌دست آمده از نقد و بررسی بر اساس (افزایش، مانش، کاهش)



اما مرحله نهایی و ملاک اصلی برای سنجش میزان کیفیت و مقبولیت ترجمه، ارزیابی آن بر اساس ویژگی‌ها و تکنیک‌های مثبت، منفی و خنثی می‌باشد:

نمبره	تکنیک‌های منفی	نمبره	تکنیک‌های مثبت
۰	۱. ابهام	۱۳	۱. معادل فرهنگی
۰	۲. ترجمه قرضی	۵	۲. اقتباس
۰	۳. ساده‌سازی	۸	۳. بسط نحوی (افزایش)
۱	۴. ترجمه تحت‌اللفظی	۰	۴. تعیین
۱	۵. نارسایی	۰	۵. جبران
۱	۶. تغییر لحن	۱۰	۶. دستورگردانی
۰	۷. تغییر ساختار درونی	۲	۷. دگرگینی
۱۱	۸. حذف و تقلیل	۱	۸. توضیح
۰	۹. تعدیل	۰	۹. حذف حواشی (قسمتی از متن)

۲	۱۰. کاهش (قبض)	۷	۱۰. تغییر برحسب اختلافات فرهنگی و اجتماعی
۰	۱۱. حفظ ساختار زبان خاص مبدأ	۰	۱۱. حفظ صناعات ادبی
۱	۱۲. بسط خلاقه		
۱	۱۳. پرگویی		
۲	۱۴. اشتباه مترجم		
۰	۱۵. حذف صناعات ادبی		
۰	۱۶. تغییر صناعات ادبی		
۲۰	جمع کل	۴۶	جمع کل
			تکنیک‌های خنثی
		۰	۱. تغییر در نوع ظرفیتی جمله
		۷	۲. حفظ اسامی خاص متن مبدأ
		۱	۳. تعریف
		۸	جمع کل



## نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر که بر اساس الگوی پیشنهادی گارسس در ترجمه، به بخش‌هایی از *رمان قلب‌اللیل* و ترجمه آن با عنوان "دل شب" پرداخته شد، مقادیر به‌دست آمده از نمودار هر بخش، بر نقاط ضعف و قوت مترجم در حوزه‌ای خاص و اهتمام بیشتر وی به یک یا دو سطح در مقایسه با سطوح دیگر دلالت می‌کند. بنابراین، در این ترجمه، طبق الگوی گارسس، به تمام جوانب ترجمه یکجا توجه نشده است و دقت لازم را که صرف آن شده، اغلب در ساختار دستوری، نحوی و نیز معانی لغوی شاهد هستیم. در نتیجه، این امر باعث شده تا سبک نویسنده و پیام متن در بعضی مواقع، از سبک مترجم و پیام متن ترجمه‌شده فاصله بگیرد؛ چرا که مترجم گاهی در ترجمه، هم خود را پایبند اسلوب متن اصلی و ملزم به انتقال همان اسلوب به متن ترجمه می‌داند و گاهی هم شیوه‌های بیانی و ظرافت‌های زبانی متن مقصد را در اولویت قرار می‌دهد. اما به طور کلی، مؤلفه‌هایی که بیشتر در دایره زبانی متن مقصد قابل اجراست، هر چند از زیرمجموعه‌های سطوح مختلف مدل گارسس هم باشد، بیشتر مورد توجه مترجم قرار گرفته است و این امر منجر شده تا رویکرد مترجم، رویکردی مقصد‌گرا باشد. از آنجا که انتقال تمام جوانب متن اصلی، از جمله سبک نویسنده، ساختار و پیام متن، کاری دشوار و احیاناً غیرممکن می‌باشد، لذا ترجمه ارائه شده از رمان نجیب محفوظ نیز با در نظر گرفتن این مطلب، قابل قبول و در بخش‌هایی که در نمودار نشان داده شده است، کفایت بالایی دارد. لذا پیشنهاد می‌شود که مترجمان قبل از اقدام به ترجمه، با در نظر گرفتن یک الگو یا حداقل با شناخت نسبی از یک مبنای نظری در ترجمه پیش بروند تا کار ترجمه از لحاظ جنبه‌های مختلفی که این الگوها بدان توجه دارند، به طور موفقیت‌آمیز باشد و روند یکنواختی نیز داشته باشد.

## منابع

### قرآن کریم

- حقانی، نادر. (۱۳۸۶). *نظرها و نظریه‌های ترجمه*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- خاوری، سیدخسرو. (۱۳۸۳). «از واژه به مفهوم: اقتباس یا ترجمه ادبی». *پژوهش زبان‌های خارجی*. ش ۱۸. صص ۸۳-۹۶.
- رشیدی، ناصر و شهین فرزانه. (۱۳۸۹). «ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا اثر مارک تواین بر اساس الگوی گارسس». *دوفصلنامه زبان پژوهی*. س ۲. ش ۳. صص ۵۸-۱۰۸.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۲). «ارزیابی و مقایسه دو ترجمه فارسی از رمان دن کیشوت اثر میگوئل دوسروانتش بر اساس الگوی گارسس». *فصلنامه زبان و ادبیات فارسی*. دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنج. س ۵. ش ۱۵. صص ۴۲-۵۶.
- سیاحی، صادق و دیگران. (۱۳۹۵). «اسلوب تصریح و تبیین در ترجمه قرآن (بررسی موردی ترجمه فیض الاسلام)». *دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*. س ۶. ش ۱۴. صص ۴۲-۶۰.
- طهماسبی، عدنان و دیگران. (۱۳۹۲). «لایه‌های زبانی و بافت بیرونی در تعادل ترجمه‌ای». *فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*. ش ۷. س ۳. صص ۱۵۲-۱۷۶.
- طهماسبی، عدنان و وحید صمدی. (۱۳۹۵). *شیوه ترجمه ادبی مبتنی بر ترجمه نمایشنامه صاحبه الجلاله*. تهران: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی تهران.
- عبدالغنی حسن، محمد. (۱۳۷۶). *فن ترجمه در ادبیات عربی*. ترجمه عباس عرب. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- فرهادی، پروین. (۱۳۹۲). *بررسی، نقد و ارزیابی ترجمه متون عربی (مطالعه موردی: نقد و ارزیابی آثار ترجمه شده عساکر کنفانی در سه بخش قصص، روایات و مسرحیات)*. پایان‌نامه رشته مترجمی زبان عربی. دانشگاه تهران. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

محفوظ، نجیب. (۱۳۹۱). *دل شیب*. ترجمه کاظم آل یاسین. شاهین شهر: نشر کاظم آل یاسین.

\_\_\_\_\_ . (بی تا). *قلب اللیل*. بی جا: نشر جدران المعرفة.

معروف، یحیی. (۱۳۹۴). *فن ترجمه؛ اصول نظری و عملی ترجمه*. تهران: سمت.  
 ناظمیان، رضا و زهره قربانی. (۱۳۹۲). «از تعدیل تا معادل یابی». *فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*. س ۳. ش ۹. صص ۸۶-۱۰۲.

